

جستجو در درختواره

<span></span>
<span></span>
خارج فقه
خارج اصول
اخلاق
تفسیر
عقاید

## 100 - ادامه م 37 و م 38 (يشترط في الاستطاعة نفقة العيال) - 04/02/86

بحث در فر چهارم از مسأله 37 در این بود که اگر شخصی حج استیجاری یا تبرّعی برای غیر انجام دهد جانشین حجّۃ الاسلام او بی شود. در مقابل روایاتی داشتیم که آن را کافی می دانست که یکی دیگر از روایات روایت ذیل است:

**\* ... عن عمرو بن الیاس (سند معتبر نیست) في حديث قال: دخل أبي علي أبي عبدالله(عليه السلام) و أنا معه فقال: أصلحك الله (خدا تو رایه سلامت بدارد) إنّ حجّیت باینی هذا و هو مرورة و ماتت أمّه و هی ضرورة فزعم (ولد) أنّه يجعل حجّته عن أمّه؟ فقال: أحسن هی عن أمّه؟ أفضل و هی له حجّة.(1)**

این روایت از روایاتی که می گوید حج نیابتی کفایت از حجة الاسلام می کند، ممکن است بعضی آن را بر حج استیجابی حمل کنند ولی تعبیر «ضرورة» نشان می دهد که حجّۃ الاسلام محسوب می شود نه حج مستحبّی. پس این روایت به روایات سابق ملحق می شود و هر چه در مورد روایات سابق گفته شد در مورد این روایت هم گفته می شود.

**مسألة 38: يشترط في الاستطاعة وجود مایمُون (خرجی بدهد) به عیاله حتّی یرجع و المراد بهم (عیال) من یلزمه نفقته لزوماً عرفياً (لزوم شرعی نیست) و إنّ لم یکن واجب النفقة شرعاً علی الأقوی (اختلاف است بعضی فقط واجب النفقه شرعی را قبول دارند و بعضی هم شرعی و هم عرفی را).**

**عنوان مسأله:**

شرط است در استطاعت که نفقه عیال را داشته باشد که این چیزی غیر از رجوع به کفایت است. مراد از عیال در اینجا کسانی هستند که عرفاً نان خور او محسوب می شوند اگر چه شرعاً واجب النفقه نباشند که این محلّ اختلاف است. مرحوم صاحب عروه این بحث را در مسأله 57 مطرح کرده است.

**اقوال:**

اجمال مسأله اجماعی است که نفقه عیال از شرایط استطاعت است و ظاهرأ اهل سنّت هم اتفاق دارند. البتّه واجب النفقه ها چه کسانی هستند اختلافی است.

مرحوم صاحب ریاض می فرماید:

**و لابد من فاضل عن الزاد و الراحلة بقدر ما یمَوْن به عیاله الواجبی النفقة من الكسوة و غیرها حتّی یرجع بالنّص و الإجماع و في المنتهی (مرحوم علامه) لا تعرف فيه خلافاً یعنی به بین العلماء (در میان علمای اسلام) ظاهرأ(2)**

مرحوم صاحب حدائق می فرماید:

**و الحكم (نفقه عیال) اتفاقاً لاخلاف فيه.(3)**

این قداغه می گوید:

و یعتبر أنّ یكون هذا (زاد و راحله) فاضلاً عماً یحتاج إلیه لنفقة عیاله الذین تلزمه مؤنتهم في مضمیه و رجوعه لأنّ النفقة متعلّقة بحقوق الادمیین (حقّ الناس است) و هم **أحوج و حَفَهم اکد** (از یک طرف واجب است حج بجای آورد و از سوی دیگر نفقه واجب النفقه به عهده اش است، ولی پول به اندازه هر دو ندارد. وقتی دو واجب که یکی حقّ الله و دیگری حقّ الناس است تراحم کند، حقّ الناس مقدّم است.(4) ظاهر کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه(5) که فتاوی ائمّه اربعه اهل سنّت در آن آمده این است که ائمّه اربعه اهل سنّت بر این قول اتفاق نظر دارند.

بنابراین مسأله از نظر اقوال ظاهرأ اجماعی است و مشکلی ندارد.

**ادله:**

از مجموع کلمات فقها پنج دلیل می توان اقامه کرد.

**1- اجماع:**

همان گونه که بیان شد مسأله اجماعی است اگر چه مدرکی است و حجّت فی باشد ولی مؤیّدی قوی است که فی توان نسبت به آن بی اعتنا بود.

**2- عدم صدق استطاعت عرفی:**

ما استطاعت را عرفی می دانیم، پس اگر شخصی با استفاده از نفقه زن و بچه و به حج برود عرف این شخص را مستطیع فی داند و اگر در شمول آیه هم شک کنیم (شک کنیم که اطلاق آیه این فرد را شامل است یا نه؟) اصل عدم است چون اطلاق باید ثابت شود و اگر شمول اطلاق در هر مسأله فقهی مشکوک شود حکم عدم دارد، پس این شخص مستطیع نیست.

مرحوم آقای خوینی که قائل به استطاعت شرعی است در این مسأله می فرماید استطاعت عرفی صادق نیست. از این جا معلوم می شود با این که ایشان به استطاعت شرعی قائلند ولی در اعماق ذهنشان استطاعت عرفی بوده است.

**3- دلیل وجوب نفقه سابق بر دلیل وجوب حج:**

ابتدا حقّ الناس به گردن شخص می آید بعد صحبت استطاعت می شود؛ به عبارت دیگر اگر بر فرض استطاعت دارد از سوی دیگر نفقه عیال هم واجب است و اگر تراحم کنند نفقه که حقّ الناس مقدّم می شود.

**4- قاعده لاجرح:**

اگر بگوییم استطاعت به زاد و راحله است و وجوب حج به عنوان استطاعت شامل حال این شخص شده عناوین ثانویه جلوی آن را می گیرد چون مستلزم حرج است، یعنی هر حکم اوّلی که موجب حرج شود استثنا می شود (مثلاً وضوی حرجی تبدیل به تیمّم می شود). در ما نحن فیه حرج بر خود شخص نیست ولی زحمتات زن و بچه بر انسان حرج محسوب می شود و دلیل لاجرح حاکم است، به عنوان مثال شخصی فرزندش مریض است و تا پول ربایی نگیرد فی تواند بجهّ را درمان کند، در این جا دلیل لاجرح به او اجازه می دهد که پول ربایی بگیرد و بجهّ اش را درمان کند پس با این که فرزندش مریض است ولی بر او حرج محسوب می شود، چون حرج این نیست که فقط بر خود انسان حرج باشد بلکه حرج خانواده او هم بر او حرج است.

**5- روایت:**

روایت ضعیف السند ولی معمول بهای اصحاب است.

**\* ... عن احمد بن محمد، عن ابن محبوب عن أبي الربیع الشّامی قال سألت أبا عبدالله(عليه السلام)عن قول الله عزّوجلّ لله علی الناس حجّ البيت من استطاع إلیه سبیلاً قال: ما یقول الناس فقلت له: الزاد و الراحلة قال: فقال أبا عبدالله(عليه السلام)قد سئل ابوجعفر عن هذا فقال: هلك الناس (آنها که این فتوا را می دهند هلاک شدند) إذن إنّ کان من کان له زاد و راحلة قدر ما یقوت عیاله و یستغنی به الناس ینطلق الیهم فیسلبیهم إیّاه لقد هلكو إذن (زن و بچه به زحمت می افند) فقیل له فما السبیل قال: فقال: السعة إذا کانتیحّ به بعض و یبقی بعضاً نقوت عیاله آیس قد فرض الله الزکاة فلم یجعلها إلا علی من ملک مائی درهم (اگر کسی مالک دویست درهم که نصاب است شود زکات دارد و اگر کمتر بود نفقه عیال است، پس حج هم مانند زکات است).(6)**

نام ابی الربیع شامی، خالد یا خلیل و مجهول الحال است. مرحوم آقای خوینی در متن معتمد او را تضعیف کرده و مقررّ ایشان در پاورقی می فرماید که آقای خوینی اخیراً او را توثیق کرده چرا که او در سلسله سند تفسیر علی بن ابراهیم قمی است و ایشان کسانی را که در سلسله سند تفسیر علی بن ابراهیم قمی هستند ثقه می دانند.(7)

این شخص که حدود هشتاد روایت در مجموع منابع ما و حدود چهل روایت در کتب اربعه دارد و افرادی مثل ابن محبوب در سند او هستند.

**قلت:** ما معتقدیم که این امور توثیق فی آورد و بهتّین راه برای اصلاح روایت این است که بگوییم روایت معمول بهای اصحاب است.

این روایت را بعضی دو روایت حساب کرده اند چون مرحوم مفید در مقنعه آن را نقل کرده و اضافه ای دارد و لذا در وسائل دو روایت حساب شده ولی بعید است دو روایت باشد چون راوی و مروی عنه و مضمون هر دو روایت یکی است و یک روایت مقداری بیشتر نقل کرده است، پس دلالت روایت روشن و سند آن ضعیف است، ولی آیا شامل واجب النفقه و غیر واجب النفقه می شود؟

1- ج 3، باب 21 از ابواب وجوب الحج و شرائطه.

2- ج 3، ص 474.

3- ج 14، ص 124.

4-مفنی، ج 3، ص 172.

5- ج 1، ص 632 و 636.

6- ج 1 و 2، باب 9 از ابواب وجوب الحج و شرائطه.

7- معتمد، ج 26، ص 160.

### پی نوشت:

تاریخ انتشار: « 1279/01/01 »

### مطالب مرتبط

**128-م 46(توقّف تخلیة السرب علی قتال العدو) - 16/03/86**

**127- ادامه مسأله 45 - 13/03/86**

**126 - ادامه مسأله 45 - 12/03/86**

\* متن

تعداد بازدیدکنندگان : ۱۷۷۴



فارسی

العربية

اردو

Azərbaycan

Русский

English

Español

Français